

واکاوی دستوری نوشتار فارسی آموزان چینی سطح فرامیانی؛ تحلیلی بر پایه

دستور مقوله و میزان*

محمد باقر میرزایی حصاربان^۱

استادیار آموزش زبان فارسی دانشگاه بین‌المللی امام خمینی^(ه)، قزوین، ایران

چکیده

یکی از گام‌های اساسی و ضروری در آموزش زبان فارسی به غیرفارسی زبانان (آزفا) جمع‌آوری و ثبت داده‌های خام زبانی و تهیه پیکره زبانی فارسی آموزان غیرایرانی و توصیف داده‌های آن با استفاده از نظریه‌های زبان‌شناسی است. پژوهش حاضر با هدف برداشتن گامی کوچک در راستای ایجاد پیکره تولیدی فارسی آموزان غیرایرانی و نیز آشنایی بیشتر با ویژگی‌های دستوری نوشتار فارسی آموزان انجام شده است. پرسش اصلی درباره ویژگی ساختمان دستوری نوشتار فارسی آموزان چینی سطح فرامیانی است. پرسش فرعی درباره میزان کارآمدی دستور مقوله و میزان در توصیف ساختمان دستوری زبان میانی فارسی آموزان است. پژوهش از نوع توصیفی - تحلیلی است و با استفاده از پیکره‌ای زبانی برگرفته از آزمون نگارش پایان دوره تکمیلی ۳۶ فارسی آموز چینی مرکز آموزش زبان فارسی دانشگاه بین‌المللی امام خمینی^(ه) بر پایه نظریه زبانی مقوله و میزان انجام شده است. یافته‌ها نشان داده ساختار جمله در نوشتار فارسی آموزان چینی سطح فرامیانی غالباً از نوع هسته‌ای، مرتبه‌بندی شده و مهین است ولی بندهای وابسته و واژگون مرتبه هم در نوشته‌ها دیده می‌شوند. از یافته‌های دیگر آن است که به طور میانگین گروه فعلی هر جمله دارای مشخصاتی همچون خودایستای شخصی، معلوم و مثبت است و گروه فعلی خودایستای غیرشخصی و جهت مجهول تقریباً دیده نمی‌شود. مشخصه بارز گروه اسمی نیز بدون وابسته و تک وابسته بودن آن است؛ ولی گروه قیدی تقریباً به نسبت یکسان از نوع باعلامت و بدون علامت است. پژوهش همچنین کارایی دستور مقوله و میزان در توصیف دقیق نوشتار فارسی آموزان چینی را تایید کرده است.

واژه‌های کلیدی: دستور، مقوله و میزان، نوشتار، فارسی آموز چینی، سطح فرامیانی.

* تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۳/۰۷ | تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۶/۰۲

¹ Email: mb.mirzaei@hum.ikiu.ac.ir



Grammatical analysis of Chinese Persian learners' writing at the intermediate level An analysis based on category order and measure*

Mohammad Bagher Mirzaei Hesarian¹

Assistant Professor of Persian Language Education, Imam Khomeini International University, Qazvin, Iran

Abstract

One of the basic and necessary steps in teaching Persian language to non-Persian speakers (AZFA) is to collect and record raw linguistic data and prepare the corpus of non-Iranian Persian learners and describe the data using linguistic theories. The present study was done with the aim of taking a small step towards creating the production corpus of non-Iranian Persian learners and also getting to know more about the grammatical features of Farsi learners' writing. The main question is about the characteristics of the grammatical structure of Chinese Persian learners' writing at the intermediate level. The subsidiary question is about the effectiveness of the category grammar and the level in describing the grammatical structure of the intermediate language of Persian learners. This research employed a descriptive-analytical, and it was carried out by using linguistic corpus taken from the final writing test of 36 Chinese Persian learners of the Persian Language Education Center of Imam Khomeini International University based on the linguistic theory of category and measure. The findings showed that the sentence structure in the writings of intermediate level Chinese Farsi learners is mostly of the nuclear type, ordered and definite, but dependent and inverted clauses are also seen in the writings. Another finding is that, on average, the current group of each sentence has characteristics such as personal, definite and positive, and the current group of impersonal and unknown direction is almost invisible. The distinguishing characteristic of the nominal group is its non-dependent and single-dependent nature; but the adverbial group is almost equally marked and unmarked. The research has also confirmed the effectiveness of category and measure order in describing Chinese Persian learners' writing accurately.

Keywords: grammar, category and level, writing, Chinese Persian learner, intermediate level.

* Received: 2022/5/28 | Accepted: 2022/8/24

¹ Email: mb.mirzaei@hum.ikiu.ac.ir

۱. مقدمه

آموزش زبان فارسی به غیرفارسی زبانان (آزفا) در ابتدای مسیر پرفراز و نشیب خود قرار دارد. در این مسیر پرفراز و نشیب، یکی از گام‌های اساسی و ضروری جمع‌آوری و ثبت داده‌های خام زبانی و تهیه پیکره زبانی فارسی‌آموزان غیرایرانی و توصیف داده‌های آن با استفاده از نظریه‌های زبان‌شناسی است. کمترین فایده چنین اقدامی آن است که چنانچه نظریات زبان‌شناسی در گذر زمان، ارزش و اعتبار خود را از دست بدهند، پیکره زبانی در همه حال ارزش خود را حفظ کرده و ماندگار می‌ماند. نظریه زبان‌شناسی و پیکره زبانی لازم و ملزوم یکدیگرند؛ بدین معنا که نظریات زبان‌شناسی با مطالعه پیکره‌های زبانی محک زده می‌شوند و میزان اعتبارشان براساس داده‌های واقعی، سنجیده می‌شوند؛ از سوی دیگر، پیکره زبانی، زمینه‌ی اصلاح یا تغییر نظریات زبان‌شناسی موجود و یا طرح نظریات جدید را فراهم می‌آورد (هلیدی و متیسن، ۲۰۰۴: ۳۶-۳۳). پیکره‌های زبانی به عنوان انباره‌ای از واژه‌های زبان، ویژگی و ظرفیت‌هایی دارند که با کشف آن‌ها می‌توان به اطلاعات پنهان و پیدای متون دست پیدا کرد. بسامدگیری از این پیکره‌ها به شیوه‌های مختلف و با ارزش گذاری‌های متفاوت، اهداف متنوعی را دنبال می‌کنند.

نبود الگوی عملی در زمینه کاربرد نظریات زبانی در واکاوی داده‌های زبانی فارسی‌آموزان غیرایرانی، یکی از مشکلات موجود در استفاده هرچه بهتر از داده‌های خام زبانی فارسی‌آموزان غیرایرانی است؛ به طوری که می‌توان ادعا کرد تقریباً تمام داده‌های زبانی فارسی‌آموزان در مراکز آموزش زبان فارسی داخل و کرسی‌های زبان و ادبیات فارسی و ایران‌شناسی خارج از کشور، بدون هیچ برنامه‌ریزی خاصی از بین می‌روند. در صورتی که ایجاد پیکره خام زبانی فارسی‌آموزان در گام نخست و واکاوی داده‌های زبانی از جنبه‌های گوناگون و براساس متغیرهایی همچون ملیت، جنسیت، زبان مادری، سطح زبانی و محیط یادگیری زبان فارسی (زبان دوم/ زبان خارجی)، کمک بزرگی در جهت علمی‌تر شدن فرایند آموزش زبان فارسی به غیرفارسی زبانان خواهد کرد. پژوهش حاضر با هدف برداشتن گامی کوچک

در راستای ایجاد پیکره تولیدی فارسی آموزان غیرایرانی و نیز آشنایی بیشتر با ویژگی‌های دستوری نوشتار فارسی آموزان که از آن به زبان میانی^۱ یاد می‌شود، انجام گرفته است. مبنای علمی این پژوهش، کتاب توصیف ساختمان دستوری زبان فارسی بر بنیاد نظریه مقوله و میزان از محمد رضا باطنی است که نخستین بار در سال ۱۳۴۸ چاپ شد و تاکنون بیش از سی بار تجدید چاپ گردیده و هزاران نسخه از آن توسط علاقه‌مندان زبان فارسی مورد استفاده قرار گرفته است. از ویژگی‌های بارز کتاب باطنی، توصیف نسبتاً جامع، روشن و دقیق زبان فارسی در چارچوب دستوری مقوله و میزان است. این موضوع سبب گردیده تا آن چارچوب به‌ظاهر قدیمی مبنای پیکره پژوهی قرار گیرد تا هم کارآمدی دستور مقوله و میزان در توصیف و واکاوی پیکره نوشتار فارسی آموزان چینی سطح فرامیانی سنجیده شود و هم تقدیر و سپاسی از باطنی به خاطر پایه‌ریزی سنت توصیف علمی زبان فارسی باشد. پرسش اصلی پژوهش، ویژگی‌های ساختمان دستوری نوشتار فارسی آموزان چینی سطح فرامیانی است و پرسش فرعی میزان کارآمدی دستور مقوله و میزان در توصیف ساختمان دستوری زبان میانی فارسی آموزان است. پرسش‌های بالا با کمک پیکره‌ای زبانی برگرفته از آزمون نگارش پایان دوره تکمیلی زبان فارسی مرکز آموزش زبان فارسی دانشگاه بین‌المللی امام خمینی^(ره) که در آن ۳۶ فارسی آموز چینی شرکت داشته‌اند و بر پایه نظریه زبانی مقوله و میزان پاسخ داده می‌شوند.

۲. پیشینه پژوهش

احمد یوسفی و رضاپور (۱۳۹۷) در پژوهشی میزان کاربرد این گروه‌های دستوری را در سه سطح از نوشتار فارسی آموزان (مقدماتی، میانی و پیشرفته) مورد بررسی قرار داده‌اند. در سطح مقدماتی استفاده فارسی آموزان از وابسته‌های موجود در گروه‌های اسمی به‌ندرت بوده است و در هر دوره بر تعداد کاربرد این وابسته‌ها افزوده شده است. گروه‌های فعلی در سطح مقدماتی بیشتر شامل وجوه اخباری بوده و در دو دوره بعد نیز به همین شکل مشاهده شده است. همچنین در دوره مقدماتی و دو دوره بعد مطابقت بین نهاد و فعل در موارد بسیاری توسط فارسی آموز کاربرد اشتباهی داشته است. همچنین افزوده‌های وجهی و حاشیه‌ای موجود در

^۱ Interlanguage

نوشتار فارسی آموزان مورد بررسی قرار گرفته و یافته نشانگر آن بوده که در هر سه دوره پرکاربردترین افزوده‌ها توسط فارسی آموزان، افزوده مکان بوده است. استفاده از افزوده‌های وجهی در هر سه دوره توسط فارسی آموز، کاربرد محدودی داشته است.

بدری، شقاقی و مدرس قوامی (۱۳۹۵) در پژوهشی بر پایه دیدگاه هلیدی و حسن (۱۹۷۶) به بررسی عوامل انسجام متن در متون نوشتاری فارسی آموزان ترکی زبان مدرسه المهدی (عج) جامعه المصطفی در قم پرداخته‌اند تا فراوانی وقوع عوامل انسجام را تعیین کنند. ایشان نوشته‌های ۳۰ زبان آموز مرد را در رده سنی یکسان در دو گروه از فارسی آموزان ترکی زبان سطح متوسط و پیشرفته انتخاب کرده‌اند؛ سپس به آنها موضوعی داده شده تا درباره‌ی آن مطلبی بنویسند. یافته‌های پژوهش نشان داده که در هر دو سطح متوسط و پیشرفته عامل انسجامی ارجاع، بیشترین بسامد را داشته و با بالا رفتن سطح، میزان استفاده از عوامل انسجامی ارجاع و حذف بیشتر شده است.

محمد علی نژاد، پهلوان نژاد و پیشقدم (۱۳۸۹) در پژوهشی با استفاده از انگاره هایلند (۲۰۰۴) به بررسی نوع و بسامد فراگفتمان در ۸۰ انشای توصیفی نوشته شده توسط فارسی‌زبانان و فارسی آموزان عرب پرداخته‌اند. نتایج حاصل نشان داده که دو گروه در انشاهای توصیفی خود از همه انواع فراگفتمان‌های تبادلی و تعاملی (به جز نقش نماهای درون متنی) استفاده کرده‌اند. فارسی‌زبانان به ترتیب از گذرها، نقش نماهای نگرشی، معناهای رمزگونه، تقویت‌کننده‌ها و خودبیانی‌ها بیشترین استفاده کرده‌اند؛ این در حالی است که گذرها، تقویت‌کننده‌ها، نقش نماهای نگرشی، خودبیانی‌ها و معناهای رمزگونه به ترتیب بیشترین کاربرد را در انشاهای توصیفی فارسی آموزان عرب داشته‌اند. همچنین نتایج بیانگر آن بوده که تنوع انواع مختلف فراگفتمان در انشاهای توصیفی فارسی‌زبانان بیشتر بوده است؛ از این رو، انشاهای توصیفی آنها منسجم‌تر، زیباتر و جذاب‌تر بوده است؛ همچنین قابلیت درک و تأثیرگذاری آنها به دلیل استفاده از انواع مختلف فراگفتمان، بالاتر بوده است.

میرزایی و پولادستون (۱۳۹۹) پژوهشی با هدف ایجاد پیکره تولیدی فارسی آموزان غیرایرانی و نیز آشنایی بیشتر با ویژگی‌های دستوری نوشتار فارسی آموزان با استفاده از پیکره‌ای زبانی برگرفته از آزمون نگارش پایان دوره عمومی ۹۰ فارسی آموز چینی مرکز آموزش زبان

فارسی دانشگاه بین‌المللی امام خمینی^(ره) و بر پایه نظریه عمومی زبان انجام داده‌اند. نتایج پژوهش ایشان نشان داده ساختار جمله در نوشتار فارسی آموزان چینی سطح فرومیانی غالباً از نوع هسته‌ای، مرتبه‌بندی شده و مهین است؛ گروه فعلی در هر جمله به طور میانگین مشخصاتی همچون خودایستایی شخصی، جهت معلوم و قطب مثبت داشته و گروه فعلی خودایستای غیرشخصی و جهت مجهول ملاحظه نشده است. مشخصه بارز گروه‌های اسمی در نوشتار فارسی آموزان چینی سطح فرومیانی بدون وابسته یا تک وابسته بودن آن‌ها بوده است؛ ولی گروه قیدی تقریباً به نسبت یکسان از نوع باعلامت و بدون علامت در نوشتار دیده شده است. میرزایی (۱۴۰۰) در پژوهشی توصیفی - تحلیلی با استفاده از پیکره‌ای زبانی برگرفته از آزمون نگارش پایان دوره تکمیلی ۳۶ فارسی آموز چینی در مرکز آموزش زبان فارسی دانشگاه بین‌المللی امام خمینی^(ره) بر پایه دستور توصیفی باطنی به واکاوی ساختمان دستوری گروه اسمی در نوشتار فارسی آموزان چینی سطح فرامیانی پرداخته است. یافته‌های پژوهش وی بیانگر آن است که بیشتر گروه‌های اسمی (۸۴٪) هیچ وابسته‌ای ندارند؛ در گروه‌های اسمی تک وابسته که ۱۵٪ مجموع گروه‌های اسمی را به خود اختصاص دادند، وابسته‌های پیرو «اسم»، «صفت» و وابسته پیشرو «اشاری/سور» بیشترین فراوانی را دارند. در گروه‌های اسمی دو وابسته که حدوداً ۱٪ مجموع گروه‌های اسمی را داشته‌اند و نیز در محدود گروه‌های اسمی سه و چهار وابسته‌ای، وابسته پیرو «اسم» و «صفت» بیشترین فراوانی را داشته‌اند. به‌طور کلی یافته‌ها نشان از توانایی یا تمایل لندک فارسی آموزان در گسترش ساخت درونی گروه‌های اسمی با وابسته‌های پیشرو و پیرو داشته است. در سطح جزئی‌تر یافته‌ها توانایی یا تمایل بیشتر فارسی آموزان چینی به کاربرد وابسته‌های پیرو نسبت به وابسته‌های پیشرو را نشان داده است. وی پیشنهاد کرده برای افزایش کیفیت نوشتار فارسی آموزان، ساختمان دستوری گروه اسمی به فارسی آموزان آموزش داده شود.

یون و پولیو (۲۰۱۶) در مطالعه‌ای به بررسی نوشته‌های روایی و استدلالی ۳۷ دانشجوی زبان انگلیسی به عنوان زبان دوم طی یک ترم ۴ ماهه پرداخته‌اند. پژوهش آنان تفاوت دو ژانر روایی و استدلالی و توسعه کوتاه مدت زبانی نوشته‌های دانشجویان از نظر پیچیدگی نحوی و واژگانی را نشان داده است.

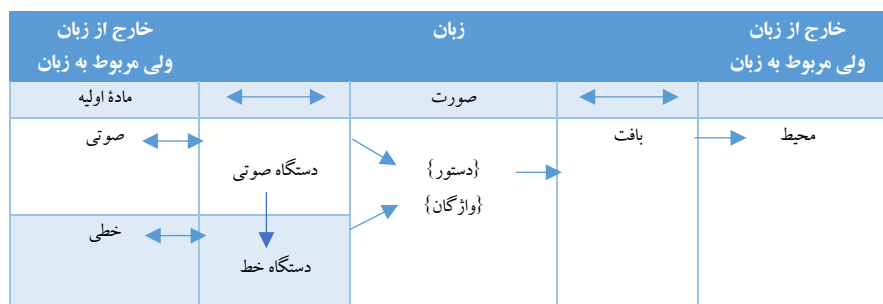
یانگ و سون (۲۰۱۴) در پژوهشی، تفاوت‌ها و شباهت‌های کاربرد ابزارهای انسجامی را در نوشته‌های استدلالی انگلیسی آموزان چینی زبان در سال دوم و سال چهارم مقطع

کارشناسی بررسی کرده‌اند. نتایج پژوهش ایشان، نشان داده که زبان آموزان در سطوح مختلف در کاربرد ابزارهای انسجامی به طور قابل توجهی با یکدیگر تفاوت داشته‌اند. به طور کلی زبان آموزان سطوح بالاتر در درک و به کارگیری ابزارهای انسجامی قوی‌تر بودند. این پژوهش همچنین نشان داده که بدون در نظر گرفتن سطح مهارت زبانی زبان آموزان، کاربرد درست و مناسب ابزارهای انسجامی با کیفیت نگارش همبستگی معنادار مثبت داشته است. پیشینه پژوهش‌ها نشانگر آن است که پژوهش‌های مرتبط با ویژگی‌های دستوری گفتار و نوشتار فارسی آموزان، انگشت‌شمار بوده است، به طوری که تاکنون در مورد ساختمان دستوری نوشتار فارسی آموزان غیرایرانی به طور کل و فارسی آموزان چینی به طور ویژه پژوهشی انجام نگرفته است؛ این موضوع بر اهمیت و ضرورت انجام پژوهش حاضر افزوده است.

۳. چارچوب نظری

۳-۱. نظریه زبانی مقوله و میزان

نظریه زبانی مقوله و میزان یکی از نظریه‌های عمومی زبان است که به وسیله ام. ا. کی. هلیدی استاد زبان‌شناسی دانشگاه لندن عرضه شده است و به میزان وسیعی از نظریات جی. آر. فرث زبان‌شناس فقید انگلیسی متأثر است. طبق این نظریه، همه زبان‌های جهان از امواج صوتی در گفتار و از نشانه‌های دیداری در نوشتار به عنوان ماده اولیه استفاده می‌کنند تا درباره جهان بیرون و دریافت انسان از آن بحث کنند. زبان‌های مختلف به طور متفاوت بین ماده اولیه خود و جهان بیرون رابطه برقرار می‌کنند؛ یعنی طرح‌ها و الگوهای متفاوتی بر ماده اولیه تحمیل می‌نمایند (باطنی، ۱۳۹۲: ۲۱). شبکه روابطی را که بین ماده اولیه و جهان بیرون وجود دارد، می‌توان به شکل زیر نشان داد:



در دستور مقوله و میزان، از چهار مقوله سخن به میان آمده است. این چهار مقوله عبارتند از: «واحد»، «ساختمان»، «طبقه» و «دستگاه». دو مقوله «واحد» و «ساختمان»، متعلق به محور زنجیری هستند که نماینده تسلسل یا توالی عنصرهای سازنده زبان در روی بعد زمان است و دو مقوله «طبقه» و «دستگاه» متعلق به محور انتخابی هستند که نماینده امکانات گوناگونی است که در هر نقطه از زنجیر گفتار در اختیار اهل زبان قرار می‌دهد تا از میان آن‌ها یکی را انتخاب کند (همان: ۳۷).

«میزان»، یعنی رابطه پیوسته بین چند عنصر یا چند عامل که در یک طرف نشان‌دهنده حداقل و در طرف دیگر نشان‌دهنده حداکثر یک خصوصیت باشد. نظریه مقوله و میزان در دستگاه دستوری زبان به سه میزان قائل است. این سه میزان دستوری عبارتند از: میزان مراتب، میزان نمود و میزان تحلیل. میزان «مراتب» یا سلسله مراتب نشان‌دهنده رابطه واحدها از بزرگتر به کوچکتر یا از کوچکتر به بزرگتر است. میزان «نمود» یعنی رابطه عنصر ساختمانی، طبقه و مورد که به ترتیب از مفهومی ذهنی به مفهومی عینی سیر می‌کند. میزان «تحلیل» هم نشان‌دهنده ظرافتی است که ما در تجزیه و تحلیل یک قطعه زبان نشان می‌دهیم (همان: ۵۱).

۳-۲. ساختمان دستوری زبان فارسی

۳-۲-۱. ساختمان جمله

جمله آن واحد زبان فارسی است که از یک بند یا بیشتر ساخته شده است. جمله در زبان فارسی به دو گونه هسته‌ای و خوشه‌ای تقسیم می‌شود. جمله هسته‌ای، جمله‌ای است که از یک هسته مرکزی تشکیل شده است که وجود آن اجباری است و از تعدادی وابسته که وجود آن‌ها اختیاری است. جمله (۱) از چهار بند ساخته شده است که یک هسته و سه وابسته (یک وابسته پیشرو و دو وابسته پیرو) دارد (همان: ۶۱-۶۰).

(۱) اگر او تلفن کرد، تو حتما برو؛ والا او می‌رنجد، چون آدم خیلی حساسی است.

وابسته هسته وابسته وابسته

جمله هسته‌ای دارای دو عنصر ساختمانی بند هسته و بند وابسته است. بند هسته می‌تواند مستقل از وابسته وجود داشته باشد. ولی بندهای وابسته‌ها نمی‌توانند مستقل از هسته

وجود داشته باشند. جایگاه هسته توسط طبقه‌ای از بندها اشغال می‌شود که به آن طبقه بند آزاد گفته می‌شود و جایگاه بند وابسته به وسیله طبقه‌ای از بندها که طبقه بند مقید نامیده می‌شوند، اشغال می‌گردد؛ برای نمونه بند «تو حتما برو» می‌تواند به جای یک جمله بنشیند. بدون این که احتیاج به بندهای دیگر در پیش یا پی خود داشته باشد. ولی بندهایی مانند «چون خیلی آدم حساسی است»، «اگر او تلفن کرد»، «و الا او می‌رنجد» و مانند آن، نمی‌توانند به تنهایی در جای یک جمله بنشینند.

جمله خوشه‌ای از اجتماع جمله‌های هسته‌ای تشکیل می‌شود. عنصرهای سازنده جمله خوشه‌ای، جمله‌هایی هستند که معمولاً به وسیله «و» و «یا» به یکدیگر قلاب شده‌اند. هر جمله خوشه‌ای به تعداد جمله‌های هسته‌ای که آن را می‌سازد، هسته دارد و هر کدام از این هسته‌ها می‌توانند خود، دارای وابسته‌هایی باشند. حداقل ساختمان یک جمله خوشه‌ای، دو جمله هسته‌ای است که یکی از آن‌ها باید الزاماً دارای وابسته باشد. مثال (۲) یک جمله خوشه‌ای است که از اجتماع دو جمله هسته‌ای تشکیل شده است. این دو جمله به وسیله «و» به هم قلاب شده‌اند (همان: ۷۳-۶۰).

(۲) معمولاً آن‌ها از چنین	اگرچه به نفع	و اگر شما فایده این طرح	آن را نخواهند
طرحی استقبال نخواهند کرد،	آن‌ها باشد؛	را به طور عینی ثابت نکنید،	پذیرفت.
هسته	وابسته	وابسته	هسته

۳-۲-۲. ساختمان بند

«بند» به آن واحد زبان فارسی گفته می‌شود که از یک گروه یا بیشتر ساخته شده است و خود در ساختمان واحد بالاتر یعنی جمله به کار می‌رود. در سلسله مراتب واحدها، بند پایین‌تر از جمله و بالاتر از گروه قرار می‌گیرد. بند دارای چهار عنصر ساختمانی اسناد، مسندالیه، متمم و ادات است. اسناد آن عنصر ساختمانی بند است که محل کارکرد گروه فعلی است. مسندالیه، آن عنصر ساختمانی است که محل کارکرد گروه اسمی به استثنای آن ریز طبقه از گروه اسمی است که دارای عنصر «را» می‌باشد. متمم، آن عنصر ساختمانی بند است که محل کارکرد گروه اسمی است. ادات آن عنصر ساختمانی است بند است که محل

کارکرد گروه قیدی است. پس از شناختن اسناد، مسند الیه و متمم، آنچه در ساختمان بند باقی می‌ماند، ادات است.

بند را از نظر ساخت می‌توان به دو نوع تقسیم کرد: بند مهین و بند کهین. در بند مهین جایگاه اسناد حتماً اشغال شده است؛ بند مهین بدون مسند الیه، متمم و ادات می‌تواند وجود داشته باشد ولی بدون عنصر اسناد نمی‌تواند وجود داشته باشد. بند کهین، بندی است که در آن جایگاه اسناد اشغال نشده است. مانند: چشمم روشن، از تو حرکت از خدا برکت (همان: ۸۲-۷۴).

۳-۲-۳. ساختمان گروه‌های فارسی

گروه واحدی است که از یک کلمه یا بیشتر ساخته شده است و خود در ساختمان واحد بالاتر یعنی بند به کار می‌رود. در سلسله مراتب واحدها، گروه پایین‌تر از بند و بالاتر از کلمه قرار می‌گیرد. گروه‌های فارسی به سه طبقه تقسیم می‌شوند: طبقه گروه فعلی، طبقه گروه اسمی و طبقه گروه قیدی.

طبقه گروه فعلی در ساختمان واحد بالاتر یعنی بند، همیشه جایگاه اسناد را اشغال می‌کند و از یک کلمه یا بیشتر ساخته شده است. یکی از خصوصیات زبان فارسی، داشتن فعل‌های متعدد ترکیبی است که معمولاً از یک اسم یا صفت یا عنصر دیگری به اضافه فعل ساخته می‌شوند. زبان فارسی از این ابزار فراوان استفاده می‌کند؛ به طوری که برای ساختن فعل‌های تازه به‌ندرت از صرف مستقیم کلمه استفاده می‌کند، بلکه عموماً روش ترکیب را به کار می‌برد. مثلاً گفته می‌شود «سرخ شدن» نه «سرخیدن»، «باز کردن» نه «بازیدن»، «کتک زدن» نه «کتکیدن» و غیره. این دسته از افعال فارسی از نظر معنی، یک واحد هستند ولی از نظر ساختمان دستوری دو جزء هستند و دارای دو نوع رفتار متفاوت می‌باشند. مثلاً «فریفتن» از نظر معنی معادل است با «فریب دادن» ولی «فریب دادن» از نظر دستوری قابل تجزیه به دو جزء است: جزء اول آن «فریب» می‌تواند مرکز یک گروه اسمی قرار گرفته و مانند یک گروه اسمی گسترش یابد. بدین ترتیب می‌توان گفت «او را فریب سختی داد» که در اینجا «فریب» مرکز یک گروه اسمی قرار گرفته و وابسته‌ای در پی آن افزوده شده است. چون جزء اول این افعال ترکیبی، به صورت گروه اسمی قابل بسط هستند، بنابراین، از نظر طبقه‌بندی

دستوری، جزء اول و دوم متعلق به یک طبقه نمی‌باشند. به همین دلیل افعال ترکیبی مانند مثال (۳) به دو جزء تجزیه می‌شوند: قسمت غیرفعلی که متمم نامیده می‌شود و قسمت فعلی که اسناد خوانده می‌شود.

(۳) تو او را فریب دادی

مسندالیه متمم متمم اسناد

در گروه فعلی زبان فارسی، سه دستگاہ به طور همزمان وجود دارد که عبارتند از: زمان‌داری، نفی و اثبات و جهت. منظور از هم‌زمان بودن دستگاہ‌ها این است که از امکانات آنها در آن واحد باید انتخاب شود (همان: ۱۳۶-۱۱۱).

۳-۲-۴. ساختمان گروه اسمی

گروه اسمی زبان فارسی از یک کلمه یا بیشتر ساخته شده است و در ساختمان واحد بالاتر یعنی بند، جایگاه مسندالیه، متمم و گاهی نیز جایگاه ادات را اشغال می‌کند. هر گروه اسمی در فارسی از یک هسته و تعدادی وابسته که در دو طرف هسته قرار می‌گیرند، ساخته می‌شود. وابسته‌هایی که پیش از هسته قرار می‌گیرند، وابسته‌های پیشرو و وابسته‌هایی که پس از هسته می‌آیند، وابسته‌های پیرو نامیده می‌شوند. ملاک تشخیص این سه عنصر (وابسته پیشرو، هسته و وابسته پیرو) از یکدیگر «اضافه» است. حداکثر چهار وابسته پیشرو می‌تواند در جلوی هسته قرار گیرد و بین آنها و نیز بین وابسته پیشرو و هسته، «اضافه» به کار نمی‌رود. حداکثر پنج عنصر هم می‌توانند جایگاه وابسته‌های پس از هسته را اشغال کنند؛ براین اساس، به لحاظ نظری، هسته گروه اسمی می‌تواند در مجموع نه وابسته به خود بگیرد (همان: ۱۷۰-۱۳۷).

۳-۲-۵. ساختمان گروه قیدی

گروه قید فارسی از یک کلمه یا بیشتر ساخته شده و در ساختمان واحد بالاتر یعنی بند، جایگاه ادات را اشغال می‌کند. علاوه بر گروه‌های قیدی که همیشه در جایگاه ادات در ساختمان بند قرار می‌گیرند، بسیاری از گروه‌های اسمی نیز می‌توانند این جایگاه را اشغال کنند. گروه‌های قیدی را می‌توان به دو دسته کلی تقسیم کرد: گروه‌های قیدی دارای علامت

صوری و گروه‌های قیدی بی علامت. گروه‌های قیدی دارای علامت صوری به دو ریز طبقه تقسیم می‌شوند: گروه‌های قیدی با علامت تنوین مانند «ظاهراً»، «فعلاً» و غیره و گروه‌های قیدی با حرف اضافه مانند: «در هفته گذشته»، «دور از خانه» و غیره. گروه‌های قیدی بی علامت دارای هیچ علامت صوری خاصی نیستند که ساختمان آن‌ها را متمایز کند. این طبقه نیز به دو ریز طبقه تقسیم می‌شود: ریز طبقه باز واژگانی و ریز طبقه بسته دستوری. در ریز طبقه باز واژگانی، گروه‌هایی قرار می‌گیرند که صورت ظاهر آنها، تمایز بخصوصی ندارد ولی به اعتبار معنی خود معمولاً جایگاه ادات را در ساختمان بند اشغال می‌کنند؛ مانند: «همیشه»، «هنوز»، «هرگز» «نه» و غیره. در ریز طبقه بسته دستوری، گروه‌هایی قرار می‌گیرند که دارای کاربردهای دستوری ویژه‌ای هستند؛ مانند: «چنانچه»، «وقتی که»، «چون» و غیره (همان: ۱۸۱-۱۷۱).

۴. روش پژوهش

پژوهش حاضر از جهت ماهیت و روش، تحقیقی توصیفی و به لحاظ نگرش و پرداختن به مسأله پژوهش، از نوع پژوهش‌های توصیفی-تحلیلی است که با هدف کاربردی به انجام رسیده است.

۴-۱. بیکره پژوهش

بیکره پژوهش، برگرفته از یکی از آزمون‌های نگارش پایان دوره تکمیلی زبان فارسی فارسی‌آموزان مرکز آموزش زبان فارسی دانشگاه بین‌المللی امام خمینی^(ره) است که در آن مجموعاً ۳۶ فارسی‌آموز چینی‌زبان شرکت داشتند؛ از این رو، در مجموع ۳۶ برگه آزمون به‌عنوان داده‌های خام مورد استفاده قرار گرفته است. در آزمون مورد نظر، از فارسی‌آموزان خواسته شده یکی از سه موضوع پیشنهادی را انتخاب کنند و دست کم ۱۵ سطر ۱۰ واژه‌ای درباره آن بنویسند. موضوعات پیشنهادی شامل اعلام نظر درباره گزاره‌هایی همچون «اولین معلم‌های زندگی فرزندان، بودن پدر و مادر»، «رواج ادامه تحصیل در دانشگاه بین مردم جهان» و «استفاده از فناوری پیشرفته در سال‌های اخیر» بوده است. از مجموع ۳۶ فارسی‌آموز ۱۰ نفر موضوع نخست، ۳ نفر موضوع دوم و ۲۳ نفر موضوع سوم را برای نوشتن انتخاب کرده بودند.

هر برگه آزمون نگارش شامل یک متن نوشتاری درباره موضوع انتخابی است. با توجه به تعیین حداقل ۱۵۰ واژه برای هر متن، می‌توان گفت پیکره شامل ۳۶ متن است. چنانچه حداقل هر متن را ۱۵۰ واژه در نظر بگیریم، پیکره حاوی ۵۴۰۰ واژه است.

۴-۲. سطح فارسی آموزان

منظور از فارسی آموزان چینی سطح فرامیانی کسانی هستند که در دوره تکمیلی زبان فارسی مرکز آموزش زبان فارسی دانشگاه بین‌المللی امام خمینی^(ره) مدت ۳۲ هفته و هر هفته ۲۰ ساعت آموزشی برای مهارت‌های چهارگانه شنیدن، خواندن، صحبت کردن و نوشتن در مجموع ۶۴۰ ساعت آموزشی در کلاس‌های حضوری شرکت نموده‌اند. با در نظر گرفتن کیفیت و کمیت برنامه آموزشی و ویژگی فردی فارسی آموزان چینی زبان، می‌توان سطح تکمیلی را معادل سطح فرامیانی (B2) در چارچوب مرجع مشترک اروپا در نظر گرفت. در این چارچوب، زبان آموز سطح فرامیانی می‌تواند مفهوم اصلی متون پیچیده با موضوعات عینی یا انتزاعی را درک کند. در بحث و گفت و گو در حوزه تخصصی خود شرکت کند. می‌تواند با میزانی از روانی کلام و فی البداهه گفتن در تعاملات معمولی با گویشور زبان بدون مشکل، شرکت کند. می‌تواند متن واضح و با جزئیات در دامنه وسیعی از موضوعات تولید کند و دیدگاه خود را درباره موضوع تبیین و نقاط قوت و ضعف مختلف درباره موضوع را توضیح دهد (صحرايي و مرصوص، ۱۳۹۵).

۴-۳. گردآوری و واکاوی داده‌ها

برای آماده‌سازی پیکره، ابتدا برگه‌های نگارش فارسی آموزان چینی در نرم افزار واژه‌پرداز پیاده‌سازی شد. تلاش گردید تا حد امکان مطالب به همان گونه که فارسی آموزان در برگه‌های خود نوشته‌اند، تایپ شود. در ادامه کار برچسب گذاری دستوری مطالب تایپ شده در چارچوب دستور مقوله و میزان انجام گرفت. در این مرحله ۳۸ برچسب دستوری همچون تعداد و انواع جمله (هسته‌ای و خوشه‌ای)، تعداد و انواع بند (هسته، وابسته، مرتبه‌بندی شده، واژگون مرتبه، مهین، کهن، خودایستا و ناخودایستا)، تعداد و انواع گروه (فعلی، اسمی و قیدی)، تعداد و انواع اطلاعات مربوط به گروه فعلی (زمان‌داری، جهت و نفی و اثبات)،

تعداد و انواع اطلاعات مربوط به گروه اسمی (متمم، مسند الیه و وابسته‌های اسمی) و تعداد و انواع اطلاعات مربوط به گروه قیدی (بدون علامت و با علامت بودن) در نوشتار فارسی آموزان شناسایی و شمارش گردید و داده‌های هر برگه در جدولی که به همین منظور آماده شده بود، ثبت و سپس با نرم‌افزار اکسل آمار توصیفی استخراج شد.

در انجام پژوهش تا حد امکان تلاش شده تا ملاک تحلیل اجزای متن، نوشتار فارسی آموزان باشد و متن نوشتاری بدون اعمال اصلاحات زبانی مورد تحلیل قرار گیرد؛ به‌عنوان مثال، در یکی از نوشته‌ها فارسی آموزی نوشته: «علی با مینا در آشپزخانه صبح‌خانه را منتظر بود». این جمله در تحلیل شامل یک اسناد «بود»، یک مسند الیه «علی»، دو متمم «صبح‌خانه» و «منتظر» و دو ادات «با مینا» و «در آشپزخانه» در تحلیل شناسایی و ثبت شده است. در صورتی که جمله درست و مورد نظر فارسی آموز، عبارت «علی با مینا در آشپزخانه منتظر صبحانه بود» است و دربردارنده یک اسناد «بود»، یک مسند الیه «علی»، یک متمم «منتظر صبحانه» و دو ادات «با مینا» و «در آشپزخانه» است. اشتباهات املائی مانند «صبح‌خانه» تأثیری بر تحلیل دستوری نداشته است.

از آن جا که نقطه به‌عنوان مرز پایان یک جمله و شروع جمله دیگر منظور شده است، نقطه‌گذاری نوشته‌ها توسط مؤلفان بازبینی و در صورت نیاز اصلاح یا تکمیل شده است؛ در ادامه، کار شناسایی و تفکیک جمله‌ها انجام گرفته است. در تحلیل پیکره، اجزای بند واژگون مرتبه به‌عنوان عناصر تشکیل دهنده بند (گروه فعلی، گروه اسمی و گروه قیدی) شناسایی و محاسبه شده است. به‌عنوان مثال، فارسی آموزی نوشته: «بعد از ادات [قهوه] (متمم) خوردن (گروه فعلی ناخودایستا) [علی به مدرسه می‌رود]. در این جمله در واقع یک اسناد «می‌رود»، یک مسند الیه «علی» و دو ادات «به مدرسه» و «بعد از قهوه خوردن» داریم. ادات «بعد از قهوه خوردن» از ادات «بعد از» همراه با بند ناخودایستای «قهوه خوردن» که به صورت واژگون مرتبه در درون گروه قیدی به کار رفته، ساخته شده است؛ بنابراین، در تحلیل این جمله متمم «قهوه» و اسناد ناخودایستای «خوردن» نیز شناسایی و شمارش شده است. برای شمارش گروه‌های فعلی، علاوه بر گروه فعلی در بندهای دارای اسناد (بند مهین)، بندهای فاقد اسناد

(بند کهنین)، بندهای واژگون مرتبه خود ایستا و ناخودایستا نیز به عنوان بندهای دارای گروه فعلی محاسبه شده است. در تحلیل گروه‌های اسمی دارای وابسته تنها به احتساب یک گروه اسمی اکتفا شده است. به عبارتی دیگر، گروه‌های اسمی درون گروه‌های قیدی مانند مثال (۴) به صورت مجزا تحلیل نشده است.

۴-۴. پر (هسته) از چیزهای مختلف (وابسته)

گروه‌های قیدی به صورت یک واحد شناسایی شده‌اند و سپس تعداد آنها در دو بخش با علامت و بدون علامت در جدول آورده شده است. گروه‌های اسمی درون گروه‌های قیدی به صورت مجزا در آمار گروه‌های اسمی نیامده است؛ به عنوان مثال، گروه قیدی «به تدریس معلم» از ادات «به» و گروه اسمی «تدریس معلم» ساخته شده است ولی در تحلیل و شمارش تنها یک گروه قیدی با علامت در نظر گرفته شده است و نه یک گروه قیدی شامل ادات «به» و گروه اسمی یک وابسته‌ای «تدریس معلم». تنها استثنای قابل ذکر گروه قیدی دارای بندواژگون مرتبه است که توضیح آن در بالا داده شد. حرف پیوند «و» که از ادات محسوب می‌گردد، در نوشتار فارسی آموزان مورد شمارش و تحلیل قرار نگرفته است. همچنین به دلیل ضمیرانداز بودن زبان فارسی، در تعداد قابل توجهی از جمله‌های نوشتار فارسی آموزان، مسندالیه در قالب گروه اسمی ذکر نشده است و به همین دلیل این تعداد از گروه‌های اسمی حذف شده به قرینه، در شمارش گروه‌های اسمی مورد محاسبه قرار نگرفته‌اند. پس از شناسایی و شمارش داده‌های دستوری، آمار توصیفی هر بخش به صورت جداگانه ارائه و تحلیل شده است.

۵. ارائه و واکاوی داده‌ها

۵-۱. واکاوی کلی داده‌ها

حاصل واکاوی مجموع نوشته‌های فارسی آموزان، جدول (۱) است که در آن اطلاعاتی همچون تعداد و نوع جمله‌ها، بندها و گروه‌ها به تفکیک و جزئیات بیشتر آورده شده است. داده‌ها بیانگر آن است که پیکره مورد پژوهش شامل ۵۱۱ جمله، ۱۲۳۹ بند و ۴۸۳۹ گروه است. توصیف و تحلیل دقیق‌تر داده‌های هر بخش از جدول در ادامه بیان می‌گردد.

جدول ۱: ویژگی‌های دستوری مجموع نوشته‌ها

جمله						
۵۱۱						
جمله خوشه‌ای				جمله هسته‌ای		
۵۹				۴۵۲		
بند						
۱۲۳۹						
واژگون مرتبه				مرتبه‌بندی شده		
۱۰۲				۱۱۳۷		
ناخودایستا	خودایستا	کهن	مهین	وابسته	هسته	
۵۹	۴۴	۱۸	۱۱۱۹	۴۰۵	۷۳۲	
گروه						
۴۸۳۹						
گروه قیدی		گروه اسمی		گروه فعلی		
۱۴۵۰		۲۱۵۱		۱۲۳۹		
گروه فعلی						
۱۲۳۹						
نفی و اثبات		جهت		زمان‌داری		
منفی	مثبت	مجهول	معلوم	ناخودایستا	خودایستا	
					غیر شخصی	شخصی
۱۰۲	۱۱۳۷	۱	۱۲۳۸	۵۱	۳	۱۱۸۵
گروه اسمی						
۲۱۵۱						
بیش از سه وابسته		سه وابسته	دو وابسته	یک وابسته	بدون وابسته	
۰		۲	۱۶۶	۵۹۷	۱۳۸۶	
گروه قیدی						
۱۴۵۰						
با علامت				بدون علامت		
۸۷۰				۵۸۰		

۲-۵. ساختمان جمله

داده‌های کلی جدول (۲) نشان می‌دهد که نوشته‌های همه فارسی‌آموزان در مجموع شامل ۵۱۱ جمله است؛ از این تعداد تعداد ۴۵۲ جمله معادل ۸۸٪ مجموع جملات از نوع هسته‌ای است و تنها تعداد ۵۹ جمله معادل ۱۲٪ جمله‌ها از نوع خوشه‌ای است. پیشتر گفته شد که جملات خوشه‌ای، جمله‌هایی هستند که دارای بیش از یک بند هسته‌ای و یک یا چند بند وابسته هستند و قاعدتاً نسبت به جمله‌های هسته‌ای که از یک بند هسته‌ای و یک یا چند بند وابسته هستند، پیچیدگی بیشتری دارند. بنابراین انتظار می‌رود هرچه سطح زبانی فارسی‌آموزان بالاتر می‌رود، توانایی تولید جمله‌های پیچیده‌ای همچون جملات خوشه‌ای افزایش یابد. نتایج حاصل از واکاوی تعداد و نوع جمله‌ها در نوشته‌های فارسی‌آموزان این فرض را مطرح و تقویت می‌کند که مهارت این دسته از فارسی‌آموزان در تولید نوشتاری جمله‌های هسته‌ای بیشتر از جمله‌های خوشه‌ای است. پیامد آموزشی این تحلیل می‌تواند آن باشد که به آموزش و تمرین جملات خوشه‌ای بیشتر توجه شود.

جدول ۲: ساختمان جمله

مجموع جمله‌ها	
۵۱۱	
جمع جمله‌های خوشه‌ای	جمع جمله‌های هسته‌ای
۵۹ (۱۲٪)	۴۵۲ (۸۸٪)

۳-۵. ساختمان بند

واکاوی داده‌های مربوط به بند (جدول ۳) نشان می‌دهد که نوشته‌های همه فارسی‌آموزان در مجموع شامل ۱۲۳۹ بند است. از این تعداد ۱۱۳۷ بند از نوع مرتبه‌بندی شده است که تعداد ۷۳۲ بند آن معادل ۶۴٪ مجموع بندها از نوع هسته‌ای است و تعداد ۴۰۵ بند معادل ۳۶٪ بندها از نوع وابسته است. همچنین تعداد ۱۰۲ بند واژگون‌مرتبه در نوشته‌های فارسی‌آموزان شناسایی شده است که معادل ۸٪ کل بندها را به خود اختصاص داده است و از

آن میان تعداد ۴۴ بند از نوع خودایستا (دارای فعل زمان‌دار) و تعداد ۵۹ بند از نوع ناخودایستا (بدون فعل زمان‌دار) بوده است. از سوی دیگر، داده‌ها بیانگر آن است که از مجموع ۱۲۳۹ بند، تعداد ۱۱۱۹ بند معادل ۹۸٪ از نوع مهین یعنی دارای اسناد هستند و تعداد ۱۸ بند معادل ۲٪ از نوع کهن یا بدون اسناد می‌باشند. نتایج حاصل از واکاوی بندها در نوشته‌های فارسی‌آموزان این فرض را مطرح و تقویت می‌کند که این دسته از فارسی‌آموزان مهارت نسبی برای تولید نوشتاری بندهای وابسته و واژگون‌مرتبه را کسب کرده‌اند.

جدول ۳: ساختمان بند

بند					
۱۲۳۹					
واژگون‌مرتبه			مرتبه‌بندی شده		
۱۰۲ (٪۸)			۱۱۳۷ (٪۹۲)		
ناخودایستا	خودایستا	کهن	مهین	وابسته	هسته
۵۹ (٪۵۶)	۴۴ (٪۴۳)	۱۸ (٪۲)	۱۱۱۹ (٪۹۸)	۴۰۵ (٪۳۶)	۷۳۲ (٪۶۴)

۵-۴. ساختمان گروه

بررسی داده‌های کلی این بخش (جدول ۴) بیانگر آن است که نوشته‌های همه فارسی‌آموزان در مجموع شامل ۴۸۳۹ گروه است؛ از این تعداد تعداد ۱۲۳۹ گروه، معادل ۲۶٪ از نوع فعلی؛ تعداد ۲۱۵۱ گروه معادل ۴۴٪ از نوع اسمی و تعداد ۱۴۵۰ گروه معادل ۳۰٪ از نوع قیدی است. از تقسیم مجموع گروه‌ها بر مجموع بندها میانگین تعداد گروه در هر بند میزان تقریبی ۴ به دست می‌آید. این بدان معنی است که به طور متوسط در هر بند از نوشتار فارسی‌آموزان از ۴ گروه که قطعاً یکی از آن‌ها گروه فعلی و یکی دیگر گروه اسمی در نقش مسندالیه و دو گروه اسمی دیگر که یا گروه قیدی و یا گروه اسمی از نوع متمم است، تشکیل شده است. میانگین وجود تعداد ۴ گروه در هر بند از نوشته‌های فارسی‌آموزان این فرض را مطرح و تقویت می‌کند که این دسته از فارسی‌آموزان توانایی کاربرد عناصر اصلی بند (گروه

فعلی، گروه اسمی و گروه قیدی) را دارند؛ با این وجود انتظار می‌رود هرچه سطح زبانی فارسی آموزان بالاتر می‌رود، توانایی تولید جمله‌های طولانی‌تر با استفاده بیشتر از گروه‌های قیدی، بندهای وابسته و واژگون مرتبه افزایش یابد؛ از این رو، به نظر می‌رسد فارسی آموزان هنوز در حال طی کردن این مراحل و رسیدن به سطح مطلوبی از توانایی مورد اشاره هستند.

جدول ۴: ساختمان گروه

گروه		
۴۸۳۹		
گروه قیدی	گروه اسمی	گروه فعلی
۱۴۵۰ (% ۳۰)	۲۱۵۱ (% ۴۴)	۱۲۳۹ (% ۲۶)

۵-۵. ساختمان گروه فعلی

واکاوی داده‌های مربوط به گروه فعلی (جدول ۵) نشان می‌دهد که نوشته‌های همه فارسی آموزان در مجموع شامل ۱۲۳۹ گروه فعلی است. به لحاظ ویژگی زمان داری، تعداد ۱۱۸۸ گروه فعلی معادل ۹۶٪ از نوع خودایستا و تعداد ۵۱ گروه فعلی معادل ۴٪ از نوع ناخودایستا است. به لحاظ ویژگی جهت دستوری، تعداد ۱۲۳۸ گروه فعلی معادل ۱۰۰٪ از نوع معلوم و تعداد ۱ گروه فعلی معادل ۰٪ از نوع مجهول است. به لحاظ ویژگی نفی و اثبات، تعداد ۱۱۳۷ گروه فعلی معادل ۹۲٪ از نوع مثبت و تعداد ۱۰۲ گروه فعلی معادل ۸٪ از نوع منفی است. نتایج حاصل از واکاوی گروه فعلی در نوشته‌های فارسی آموزان این فرض را مطرح و تقویت می‌کند که این دسته از فارسی آموزان مهارت یا تمایل کافی برای تولید نوشتاری جهت مجهول را ندارند. همچنین داده‌ها نشانگر بسامد اندک فعل منفی در مقابل بسامد بالای فعل مثبت است. همچنین نتایج نشانگر آن است که فارسی آموزان مهارت یا تمایل کافی برای تولید نوشتاری گروه فعلی خودایستای غیرشخصی را ندارند. پیامد آموزشی این تحلیل آن است که در ادامه دوره آموزشی به آموزش و تمرین جهت دستوری مجهول و گروه فعلی خودایستای شخصی توجه بیشتر شود.

جدول ۵: ساختمان گروه فعلی

گروه فعلی						
۱۲۳۹						
زمان داری		جهت		نفی و اثبات		
۱۲۳۹		۱۲۳۹		۱۲۳۹		
خودایستا		ناخودایستا		معلوم	مجهول	مثبت
شخصی		غیر شخصی				منفی
۱۱۸۵ (%.۹۶)		۳ (%.۰)		۵۱ (%.۴)	۱۲۳۸ (۱۰۰)	۱ (%.۰)
				۱۱۳۷ (%.۹۲)	۱۰۲ (%.۸)	

۵-۶. ساختمان گروه اسمی

واکاوی داده‌های مربوط به گروه اسمی (جدول ۶) نشان می‌دهد که نوشته‌های فارسی‌آموزان در مجموع شامل ۲۱۵۱ گروه اسمی است. بررسی تعداد وابسته در گروه‌های اسمی بیانگر آن است که تعداد ۱۳۸۶ گروه معادل ۶۴٪ گروه‌های اسمی، بدون هیچ وابسته‌ای هستند و ۵۹۷ گروه اسمی معادل ۲۸٪ گروه‌های اسمی دارای یک وابسته و ۱۶۶ گروه اسمی معادل ۸٪ گروه‌های اسمی دارای دو وابسته هستند و هیچ گروهی از گروه‌های اسمی بیش از دو وابسته نداشته‌اند. نتایج حاصل از واکاوی گروه اسمی در نوشته‌های فارسی‌آموزان این فرض را مطرح و تقویت می‌کند که این دسته از فارسی‌آموزان مهارت یا تمایل کافی برای تولید گروه‌های اسمی دارای بیش از یک وابسته را ندارند. پیامد آموزشی این تحلیل آن است که در ادامه دوره آموزشی به آموزش و تمرین وابسته‌های گروه اسمی توجه بیشتر شود.

جدول ۶: ساختمان گروه اسمی

گروه اسمی				
۲۱۵۱				
بدون وابسته	یک وابسته	دو وابسته	سه وابسته	بیش از سه وابسته
۱۳۸۶ (%.۶۴)	۵۹۷ (%.۲۸)	۱۶۶ (%.۸)	۲ (%.۰)	۰ (%.۰)

۷-۵. ساختمان گروه قیدی

واکاوی داده‌های مربوط به گروه قیدی (جدول ۷) نشان می‌دهد که نوشته‌های فارسی آموزان در مجموع شامل ۱۴۵۰ گروه قیدی است. از این تعداد ۵۸۰ گروه قیدی معادل ۴۰٪ گروه قیدی از نوع بدون علامت و تعداد ۸۷۰ گروه قیدی معادل ۶۰٪ از نوع با علامت هستند. نتایج حاصل از واکاوی گروه قیدی در نوشته‌های فارسی آموزان این فرض را مطرح و تقویت می‌کند که این دسته از فارسی آموزان توانایی دارند از هر دو نوع گروه قیدی تقریباً به نسبت مشابه در نوشته خود استفاده می‌کنند.

جدول ۷: ساختمان گروه قیدی

گروه قیدی	
۱۴۵۰	
بدون علامت	با علامت
۵۸۰ (٪ ۴۰)	۸۷۰ (٪ ۶۰)

۸-۵. واکاوی دستور هر نوشته به طور میانگین

حاصل واکاوی دستوری هر نوشته به طور میانگین، جدول (۸) است که در آن اطلاعاتی همچون تعداد و نوع جمله‌ها، بندها و گروه‌ها به تفکیک و جزئیات بیشتر آورده شده است.

جدول ۸: ویژگی‌های دستوری هر نوشته به طور میانگین

جمله	
۱۴	
جمله هسته‌ای	جمله خوشه‌ای
۱۲	۲
بند	
۳۴	

واژگون مرتبه		مرتبه بندی شده				
۳		۳۱				
ناخود ایستا	خود ایستا	کهن	مهن	وابسته	هسته	
۱.۶	۱.۴	۰	۳۱	۱۱	۲۰	
گروه						
۱۳۴						
گروه قیدی		گروه اسمی		گروه فعلی		
۴۰		۶۰		۳۴		
گروه فعلی						
۳۴						
نفی و اثبات		جهت		زمان داری		
منفی	مثبت	مجهول	معلوم	ناخود ایستا	خود ایستا	
					غیر شخصی	شخصی
۳	۳۱	۰	۳۴	۱	۰	۳۳
گروه اسمی						
۶۰						
بیش از سه وابسته		سه وابسته	دو وابسته	یک وابسته	بدون وابسته	
۰		۰	۵	۱۷	۳۸	
گروه قیدی						
۴۰						
با علامت			بدون علامت			
۲۴			۱۶			

داده‌های مربوط به میانگین واکاوی دستوری هر نوشته نشان می‌دهد که هر متن به طور

متوسط از ۱۴ جمله تشکیل شده است؛ از این تعداد ۱۲ جمله معادل ۸۶٪ مجموع جملات از نوع هسته‌ای است و تعداد ۲ جمله معادل ۱۴٪ جمله‌ها از نوع خوشه‌ای است. همچنین داده‌ها بیانگر آن است که به طور متوسط هر نوشته از ۳۴ بند تشکیل شده که از آن میان ۳۱ بند معادل ۹۱٪ از نوع مرتبه بندی شده و یک بند معادل ۹٪ از نوع واژگون مرتبه است. تعداد ۲۰ بند از مجموع ۳۱ بند مرتبه بندی شده معادل ۶۵٪ از نوع هسته‌ای و ۱۱ بند معادل ۳۵٪ از نوع وابسته است. همچنین به طور متوسط تعداد ۳۱ بند معادل ۱۰۰٪ از نوع مهین در هر نوشته به کار رفته است. هر نوشته به طور میانگین از ۱۳۴ گروه شامل ۳۴ گروه فعلی، ۶۰ گروه اسمی و ۴۰ گروه قیدی شکل گرفته است. این آمار دوبرابر بودن تقریبی گروه اسمی نسبت به گروه فعلی و گروه قیدی را نشان می‌دهد. با بررسی متوسط داده‌های گروه فعلی مشاهده می‌گردد که تعداد ۳۳ مورد فعل‌ها معادل ۹۷٪ از نوع خودایستای مثبت و تنها ۳٪ از نوع خودایستای منفی در هر نوشته دیده شده است و همه فعل‌ها دارای ساخت معلوم بوده‌اند. به عبارت دیگر به طور متوسط در هر نوشته نشانی از نوع خودایستای غیرشخصی، ناخودایستا و نیز جهت مجهول وجود ندارد. با بررسی گروه اسمی مشاهده می‌گردد که از مجموع ۶۰ گروه اسمی که به طور میانگین در هر نوشته وجود دارد، تعداد ۳۸ گروه اسمی معادل ۶۳٪ بدون هیچ وابسته، تعداد ۱۷ گروه اسمی معادل ۲۸٪ دارای یک وابسته و تعداد ۵ گروه اسمی معادل ۹٪ دارای دو وابسته است و هیچ گروه اسمی با سه وابسته و بیشتر (تا ۹ وابسته) در هر نوشته به کار نرفته است. با بررسی داده‌های مربوط به گروه قیدی ملاحظه می‌شود که از تعداد ۴۰ گروه قیدی در هر نوشته به طور متوسط تعداد ۲۴ گروه قیدی معادل ۶۰٪ از نوع با علامت و تعداد ۱۶ گروه قیدی معادل ۴۰٪ از نوع بدون علامت است. نتایج حاصل از واکاوی دستوری هر نوشته به طور میانگین فرض‌های طرح شده در مطالب پیشتر را تقویت می‌کند.

۹-۵. واکاوی دستوری هر جمله به طور میانگین

حاصل واکاوی دستوری هر جمله به طور میانگین، جدول (۹) است که در آن اطلاعاتی همچون تعداد و نوع جمله‌ها، بندها و گروه‌ها به تفکیک و جزئیات بیشتر آورده شده است.

جدول ۹. ویژگی‌های دستوری هر جمله به طور میانگین

جمله						
۱						
جمله خوشه‌ای			جمله هسته‌ای			
۰.۱۴			۰.۸۶			
بند						
۲.۴						
واژگون مرتبه			مرتبه‌بندی شده			
۰.۲			۲.۲			
ناخودایستا	خودایستا	کهن	مهن	وابسته	هسته	
۰.۱	۰.۱	۰	۲.۲	۰.۸	۱.۴	
گروه						
۹.۵						
گروه قیدی		گروه اسمی		گروه فعلی		
۲.۸		۴.۳		۲.۴		
گروه فعلی						
۲.۴						
نفی و اثبات		جهت		زمان‌داری		
منفی	مثبت	مجهول	معلوم	ناخودایستا	خودایستا	
					غیر شخصی	شخصی
۰.۲	۲.۲	۰	۲.۴	۰.۱	۰	۲.۳
گروه اسمی						
۹.۵						
بدون وابسته		دو وابسته		یک وابسته		بیش از سه وابسته
۲.۷		۰.۴		۱.۲		۰
گروه قیدی						
۲.۸						
با علامت			بدون علامت			
۱.۷			۱.۱			

داده‌های مربوط به میانگین واکاوی دستوری هر جمله نشان می‌دهد که به طور متوسط هر جمله از ۲.۴ بند مرتبه‌بندی شده تشکیل شده است که از آن میان ۱.۴ معادل ۵۸٪ از نوع بند هسته‌ای و ۰.۸ معادل ۴۲٪ از نوع بند وابسته است و همگی از نوع مهین است. همچنین هر جمله به طور میانگین از ۹.۵ گروه شامل ۲.۴ گروه فعلی، ۴.۳ گروه اسمی و ۲.۸ گروه قیدی شکل گرفته است. بررسی متوسط داده‌های گروه فعلی مشاهده می‌دهد که همه ۹۶٪ گروه فعلی از نوع خودایستا و ۴٪ از نوع ناخودایستاست. همه گروه‌های فعلی از نوع معلوم هستند. از نظر دستگاه نفی و اثبات، ۹۲٪ گروه‌های فعلی مثبت و ۸٪ دیگر منفی هستند. به عبارت دیگر به طور متوسط ویژگی خودایستایی غیرشخصی و مجهول در سطح جمله به کار نرفته است. با بررسی گروه اسمی مشاهده می‌گردد که از ۹.۵ گروه اسمی که به طور میانگین در هر جمله وجود دارد، تعداد ۲.۷ گروه اسمی معادل ۲۸٪ بدون هیچ وابسته و تعداد ۱.۲ گروه اسمی معادل ۱۳٪ دارای یک وابسته است و تعداد ۰.۴ معادل ۴٪ دارای دو وابسته است و هیچ گروه اسمی با سه وابسته و بیشتر (تا ۹ وابسته) در هر جمله به کار نرفته است. با بررسی داده‌های مربوط به گروه قیدی نیز ملاحظه می‌شود که از تعداد ۲.۸ گروه قیدی در هر جمله به طور متوسط تعداد ۱.۷ گروه قیدی معادل ۶۰٪ از نوع با علامت و تعداد ۱.۱ گروه قیدی معادل ۴۰٪ از نوع بدون علامت است.

نتیجه‌گیری

نتایج حاصل از واکاوی تعداد و نوع جمله‌ها در نوشته‌های فارسی آموزان چینی سطح فرامیانی این فرض را مطرح و تقویت می‌کند که مهارت این دسته از فارسی آموزان در تولید نوشتاری جمله‌های هسته‌ای بیشتر از جمله‌های خوشه‌ای است. پیامد آموزشی این تحلیل می‌تواند آن باشد که به آموزش و تمرین جملات خوشه‌ای بیشتر توجه شود. نتایج حاصل از واکاوی بندها نیز این فرض را مطرح و تقویت می‌کند که این دسته از فارسی آموزان مهارت نسبی برای تولید نوشتاری بندهای وابسته و واژگون‌مرتبه را کسب کرده‌اند. میانگین وجود تعداد ۴ گروه در هر بند از نوشته‌های فارسی آموزان این فرض را مطرح و تقویت می‌کند که این دسته از فارسی آموزان توانایی کاربرد عناصر اصلی بند (گروه فعلی، گروه اسمی و گروه قیدی) را دارند؛ با وجود این، انتظار می‌رود هرچه سطح زبانی فارسی آموزان بالاتر می‌رود، توانایی تولید جمله‌های طولانی‌تر با استفاده بیشتر از گروه‌های قیدی، بندهای وابسته و واژگون‌مرتبه افزایش یابد؛ از این رو، به نظر می‌رسد فارسی آموزان هنوز در حال طی کردن این مراحل و رسیدن به سطح مطلوبی از توانایی مورد اشاره هستند. نتایج حاصل از واکاوی گروه فعلی این فرض را مطرح و تقویت می‌کند که این دسته از فارسی آموزان مهارت یا تمایل کافی برای تولید نوشتاری جهت مجهول را ندارند. همچنین داده‌ها نشانگر بسامد اندک فعل منفی در مقابل بسامد بالای فعل مثبت است. همچنین نتایج نشانگر آن است که فارسی آموزان مهارت یا تمایل کافی برای تولید نوشتاری گروه فعلی خودایستای غیرشخصی را ندارند. پیامد آموزشی این تحلیل آن است که در ادامه دوره آموزشی به آموزش و تمرین جهت دستوری مجهول و گروه فعلی خودایستای غیرشخصی توجه بیشتر شود. نتایج حاصل از واکاوی گروه اسمی در نوشته‌های فارسی آموزان این فرض را مطرح و تقویت می‌کند که این دسته از فارسی آموزان مهارت یا تمایل کافی برای تولید گروه‌های اسمی دارای بیش از یک وابسته را ندارند. پیامد آموزشی این تحلیل آن است که در ادامه دوره آموزشی به آموزش و تمرین گروه‌های اسمی دارای بیش از یک وابسته، توجه بیشتر شود. نتایج حاصل از واکاوی گروه قیدی نیز این فرض

را مطرح و تقویت می‌کند که این دسته از فارسی‌آموزان توانایی دارند از هر دو نوع گروه قیدی تقریباً به نسبت مشابه در نوشته خود استفاده کنند.

از توصیف و واکاوی پیکره مورد بررسی می‌توان چنین برداشت کرد که ساختار جمله در نوشتار فارسی‌آموزان چینی سطح فرامیانی غالباً از نوع هسته‌ای، مرتبه‌بندی شده و مهین است؛ در عین حال به نظر می‌رسد توانایی کاربرد بندهای وابسته و واژگون مرتبه را نیز دارند. از سوی دیگر، نتایج حاکی از آن است که به طور میانگین گروه فعلی در هر جمله فارسی‌آموزان مورد پژوهش دارای مشخصاتی همچون خودایستای شخصی، معلوم و مثبت است و از گروه فعلی خودایستای غیرشخصی و جهت مجهول تقریباً خبری نیست. مشخصه بارز گروه اسمی نیز بدون وابسته و تک وابسته بودن آن است ولی گروه قیدی تقریباً به نسبت یکسان از نوع باعلامت و بدون علامت است. معنای سخن بالا آن است که هر جمله فارسی‌آموزان ساختاری مانند جمله «من هر روز درس می‌خوانم تا در امتحان موفق بشوم» را دارد. به عبارت دیگر می‌توان گفت به طور میانگین هر جمله فارسی‌آموزان چینی سطح فرامیانی از دو بند تشکیل شده که یک بند آن هسته‌ای و بند دیگر وابسته است. این نشان از گسترش مهارت فارسی‌آموزان در نگارش جمله از سطح یک بند ساده به دو بند در یک جمله است. چنانچه هدف دوره آموزشی رساندن فارسی‌آموزان به سطحی از توانایی در نگارش باشد که جمله‌هایی با ویژگی‌های دستوری مثال مذکور یعنی جمله متشکل از دو بند (یک بند هسته‌ای و یک بند وابسته) با حداکثر هشت گروه (دو گروه فعلی، چهار گروه اسمی و دو گروه قیدی)، گروه فعلی خودایستای معلوم و مثبت، گروه اسمی بدون وابسته، بنویسند، می‌توان گفت اهداف دوره آموزشی محقق شده است ولی در صورتی که تولید نوشتاری جمله‌هایی با بندهای وابسته، واژگون مرتبه و گروه‌های اسمی و قیدی بیشتر، گروه فعلی خودایستای شخصی، ناخودایستای مجهول، گروه اسمی با وابسته‌های بیشتر (سه تا نه وابسته‌ای) از اهداف دوره آموزشی بوده، باید گفت که اهداف مذکور به طور کامل محقق نشده است و باید در مورد فرایند آموزش زبان فارسی به فارسی‌آموزان بازنگری شود.

پژوهش حاضر با یافته‌های آن بخش از تحقیق احمد یوسفی و رضاپور (۱۳۹۷) و میرزایی

(۱۴۰۰) که به استفاده اندک فارسی آموزان از وابسته‌های گروه اسمی اشاره داشته، همخوانی دارد. همچنین این تحقیق نشان داده که دستور مقوله و میزان باوجود این که در بین نظریه‌های دستوری معاصر جایگاه برجسته‌ای ندارد و دستور نظام‌مند-نقشگرا که نسخه‌ی جدیدتر آن است، توجهات زیادی را به خود جلب کرده است، کارایی لازم برای توصیف دقیق نوشتار فارسی آموزان چینی را داراست. یکی از مهم‌ترین علل آن، ویژگی بارز کتاب «توصیف ساختمان دستوری زبان فارسی» تالیف باطنی (۱۳۹۲) است که در آن توصیفی نسبتاً جامع، روشن و دقیق زبان فارسی در چارچوب دستوری مقوله و میزان ارائه نموده است و این موضوع سبب گردیده با وجود این که کاستی‌هایی در نظریه مقوله و میزان و به دنبال آن، ضعف‌هایی در توصیف ساختمان زبان فارسی باطنی قابل ملاحظه و نقد است، ولی آن چارچوب به‌ظاهر قدیمی در پیکره پژوهی حاضر، کارآمدی لازم را نشان دهد. توصیف دستوری نوشته‌های فارسی آموزان چینی سطح فرامیانی، دلیلی بر این مدعاست. نویسندگان امیدوارند پژوهش حاضر گامی کوچک به نشانه سپاس و قدرشناسی از باطنی به خاطر پایه‌ریزی سنت توصیف علمی و نسبتاً جامع زبان فارسی سپاس تلقی شود.

تعارض منافع: طبق گفته نویسنده، پژوهش حاضر فاقد هر گونه تعارض منافع است.

منابع و مأخذ

- احمد یوسفی، فاطمه. (۱۳۹۷). «فرآیند یادگیری گروه‌های نحوی در بندهای زبان فارسی در نوشتار فارسی آموزان خارجی». پایان‌نامه کارشناسی ارشد. به راهنمایی ابراهیم رضایپور. سمنان: دانشگاه سمنان.
- باطنی، محمدرضا. (۱۳۹۲). توصیف ساختمان دستوری زبان فارسی. چاپ سی‌ام. تهران: امیرکبیر.
- بدری، سجاد. (۱۳۹۵). «بررسی عوامل انسجام دستوری در متون نوشتاری فارسی آموزان ترکی زبان». پایان‌نامه کارشناسی ارشد. به راهنمایی ویدا شقاقی. تهران: دانشگاه علامه طباطبائی.
- صحرايي، رضامراد. (۱۳۹۵). استاندارد مرجع آموزش زبان فارسی. تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی.
- محمدعلی نژاد، بتول. (۱۳۸۹). «بلاغت مقابله‌ای و بررسی فراگفتمان در انشاهای توصیفی فارسی زبانان و فارسی آموزان عرب». پایان‌نامه کارشناسی ارشد. به راهنمایی محمدرضا پهلوان نژاد. مشهد: دانشگاه فردوسی.
- میرزایی حصاریان، محمّدباقر و پولادستون، حمیده. (۱۳۹۹). «واکاوی دستوری نوشتار فارسی آموزان چینی سطح فرومیانی (A2) تحلیلی بر پایه‌ی دستور مقوله و میزان». پژوهش‌نامه آموزش زبان فارسی به غیرفارسی‌زبانان. دوره ۹. شماره ۲۰. صص: ۱۳۶-۱۱۵.
- میرزایی حصاریان، محمّدباقر. (۱۴۰۰). «واکاوی ساختمان دستوری گروه اسمی در نوشتار فارسی آموزان غیرایرانی: مورد فارسی آموزان چینی سطح فرامیانی (B2)». علم زبان. (پذیرفته شده و موجود در بخش مقالات آماده انتشار).
- میرزایی، آزاده و صفری، پگاه. (۱۳۹۴). «ساخت واژه-متن‌های تخصصی و عمومی زبان فارسی براساس بسامدگیری واژه‌های نقشی و محتوایی». در مجموعه مقالات نخستین همایش ملی زبان شناسی پیکره‌ای. تهران: نشر نویسه پارسی.
- Halliday, M.A.K. & Matthiessen, C. M. I. M., (2004). An introduction to functional grammar (3rd ed.). London: Arnold.
- Halliday, M.A.K & Hassan, R (1976) Cohesion in English, London, Longman.
- Hyland, K, K. (2004). “Disciplinary interactions: metadiscourse: metadiscourse in L2 postgraduate writings”. Journal of second language writing. 13, pp 133-151. Available on: <http://www.sciencedirect.com>.

- Yang, W. and Y.Sun (2012). “The use of cohesive devices in argumentative writing by Chinese EFL learners at different proficiency levels”.*Journal of Linguistics and Education*, 23:31-48.
- Yoon, Hyung-Jo, Polio, Charlene.2016. “The Linguistic Development of Students of English as a Second Language in Two Written Genres”.*TESOL*, Volume51, Issue2, Pages 275-301.